

وزیر مختار آمریکا از «مدرس» می گوید

۹ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۴۸

«چارلز سیهارت» وزیر مختار آمریکا در تهران در ششم آذر ۱۳۱۰ در نامه ای به وزارت خارجه کشورش وضعیت مرحوم سید حسن مدرس را توصیف کرده است. در این نامه که بعد از تبعید مدرس به خواف (۱۶ مهر ۱۳۰۷) و قبل از شهادت وی (۱۰ آذر ۱۳۱۶) نوشته شده، آمده است:

«.....سیر زندگی سیدحسن مدرس، اگر خیلی کلی به آن نگاه کنیم، می تواند سیر تحول تاریخ ایران معاصر باشد. مدرس که از زمان تشکیل مجلس دوم در سال ۱۹۰۸ خاتمه دوره مجلس ششم در سال ۱۹۲۷ وکیل مجلس و سخنگوی اصلی فراکسیون روحانی بود نقشی اساسی در زندگی سیاسی این مملکت ایفا کرد... در طول یک دهه پس از کودتای ۱۹۲۱ ضیاءالدین، که ایران شاهد درخشش ستاره بخت و اقبال رضاخان از اردوگاه انقلابیون در قزوین، و سپس دست یافتن او به وزارت جنگ و رییس الوزرای و نهایتاً تخت شاهی بود، مدرس همچنان رهبری روحانیون محافظه کار را حفظ کرد.

سپس نوبت به سقوطش رسید. شاید او بیشتر از هر کس دیگری در شکست جنبش جمهوریخواهی رضا خان در سال ۱۹۲۴ نقش داشت. در سال ۱۹۲۵، ظاهراً آن دو با یکدیگر آشتی کردند. ولی در سال ۱۹۲۸، شاه کینه توز که در طول دو سال اول حکومتش نفوذ سلطه جویانه خود را تحکیم کرده بود نگذاشت مدرس به مجلس هفتم راه پیدا کند؛ که اگر بخواهم عبارتی را که در گزارش آن سال درباره همین مسئله به کار رفته بود استفاده کنم، «به دلیل مخالفت علنی و صریحش با دولت» بود.

یک سال بعد، مدرس به شهر کوچکی در چند مایلی جنوب مشهد نزدیک مرز افغانستان، تبعید شد. در آن زمان شرایط مملکت در گزارشی که از سوی سفارت آمریکا ارسال شد اینگونه توصیف شده بود: «شاه دارد همچنان به جنگ خاموش ولی مؤثرش بر ضد قشر روحانی ادامه می دهد. روش او ساده ترین روش است. ملاها یا دراویش با نفوذ را پنهانی بازداشت می کنند و به زندانی دور از محل سکونتشان می برند. اشخاصی که به این ترتیب ربوده می شوند هرگز بر نمی گردند. در میان رجال سرشناسی که اینگونه ناپدید شده اند می توان به مدرس اشاره کرد؛ اگرچه شایع شده است که او دیگر در قید حیات نیست.....»

«هارت» سپس گفتگوهایش با «کنت مونته فورت» و ابسته سفارت ایتالیا در امور شرق را شرح می دهد:

«.....بعد از آنکه به وی گفتم از نظر عموم مردم مدرس هنوز نمرده است، گفت که قویاً احساس می کند یک جریان مخالف و توطئه کاملاً پنهان بر ضد رژیم دیکتاتوری رضا شاه دارد در محافل عالی نظامی و غیرنظامی شکل می گیرد. او گفت که فعلاً همه مخالفت های علنی سرکوب شده اند. پس از تبعیدهای سال ۱۹۲۸ که مدرس هم یکی از قربانیان آن بود، کمتر شخص بانفوذی در تهران باقی مانده است که حداقل به ظاهر طرفدار سرسخت شاه نباشد. از میان شخصیت های با نفوذ، فیروز (وزیر امور خارجه کابینه و ثوق الدوله و یکی از سه امضاکننده قرارداد ۱۹۱۹) باقیمانده است که او را هم بی آبرو کرده اند. در کنج خلوت خود

روزگار می‌گذراند؛ و ژنرال شیبانی را هم که روزی مورد توجه شاه بود و با عملیات نظامی‌اش بر ضد قشقائی‌ها در سال ۱۹۲۹ شهرتی به هم زد، به علت اینکه محبوبیتی در بین ارتشی‌ها پیدا کرده بود به زیر کشیده‌اند.....»
هارت روز بعد در گزارش مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ خود افزود:

.....احتراماً عطف به گزارش شماره ۹۴۷ مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۳۱ در ارتباط با توجه اخیر ایرانی‌ها به سرنوشت سیدحسین مدرس، بدینوسیله یادداشتی را که مترجم توانای سفارت، آقای علی‌پاشا صالح، درباره برخی مراحل قانونی «حبس» مدرس تهیه کرده است، به عرض می‌رسانم: «چنانکه تصور می‌شود مدرس در چهاردیواری یک «زندان» محبوس نیست... مدرس مجرم شناخته نشده و هیچ دادگاهی حکمی برایش صادر نکرده است... در معنای عام کلمه، شهر کوچکی نظیر قائن یا خواف در استان خراسان، که می‌گویند مدرس به آن تبعید شده است، و یا حتی شهرهای بزرگتر از آنها، برای مرد بلندپروازی چون او مسلماً چیزی بجز زندان نیست، به ویژه اگر طبق معمول چنین مواردی تحت نظر دائم پلیس یا ارتش، و از آزادی محروم باشد و نتواند از محدوده تنگ و کوچک آن خارج شود... به گمان من در معنای خاص کلمه، مدرس نه زندانی است و نه تبعیدی، زیرا حکمی دال بر محکومیت او صادر نشده است. ولی عملاً هم زندانی است و هم تبعیدی. جدای از ملاحظات فنی فوق، موارد زیر که از متمم قانون اساسی ایران مصوب ۷ اکتبر ۱۹۰۷ انتخاب کرده‌ام به گمان من وضعیت مدرس را روشن‌تر خواهد کرد:

«اصل نهم: افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نماید.»

«اصل دهم: غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را نمی‌توان فوراً دستگیر نمود مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه برطبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود.»

«اصل دوازدهم: حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود مگر به موجب قانون.»

«اصل چهاردهم: هیچیک از ایرانیان را نمی‌توان نفی داد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور به اقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.»

بنابراین، کمترین چیزی که می‌توان گفت این است که رویه مورد استفاده در مورد مدرس به وضوح غیرقانونی بوده، درست شبیه به رویه‌ای که در ارتباط با موارد دیگر به کار گرفته شده است. گمان می‌کنم که وزارت امور خارجه نیز با نتیجه‌گیری این یادداشت مفید موافق خواهد بود.....

مدرس نیز همانند فیروز در سال ۱۹۳۸ در زندان به قتل رسید. لوئیس جی. دریفوس پسر، در ۳ نوامبر ۱۹۴۱ فاش ساخت در حالی که یکی از مقامات نظمیه به اتهام قتل مدرس دستگیر شده است، برخی بر این باورند که شخص رضا شاه او را به قتل رسانده است: «جهانسوزی، رئیس پلیس قم، به اتهام قتل مدرس، رهبر فراکسیون مجلس، که ادعای قتلش به دست شاه التهابی در میان مردم ایجاد کرد، دستگیر شده است.» در ژانویه ۱۹۴۳ میلادی به ایران بازگشت. او گفت: «هنگامی که به ایران بازگشتم اطلاع یافتم که [شاه] هزاران نفر را زندانی کرده و صدها نفر را به قتل رسانده، و تعدادی از افراد اخیر را با دستان خودش به قتل رسانده است.»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/22894/گويڊ-مپ-مدرس-آمريکا-مختار-وزير>